

# کاپیتولاسیون؛ سابقه آن در ایران، الغاء، احیای دوباره و عکس العمل امام خمینی و پیامدهای آن

علیرضا اسدی

## ۱. تعریف کاپیتولاسیون

کاپیتولاسیون در لغت به معنای فصل‌بندی و طبقه‌بندی مطالب است و در اصطلاح عبارت است از معاهداتی که به موجب آن بیگانگان حق اقامت در کشور دیگری را برای خود تحصیل می‌کنند و از برخی از حقوق و مزایا به طور اختصاصی بهره مند می‌شوند؛ به عبارت دیگر، کاپیتولاسیون عبارت است از حق قضاوت خارجیان در کشور بیگانه.<sup>۱</sup> مفهوم عام حقوقی کاپیتولاسیون عبارت است از نظام قضاوت کنسولی و برخی از تصمیمات و امتیازات و مصونیت‌های قضایی که به موجب تصمیمات یکجانبه یا عهدنامه‌ها یا اسناد قضایی دیگر به اتباع دول مسیحی در سرزمین‌های غیرمسیحی داده می‌شود.<sup>۲</sup>

بنابراین، سه عنصر تشکیل دهنده کاپیتولاسیون عبارت‌اند از:

۱. بیگانگان به تمام معنی از شمول قوانین و دادگاه‌های دولتی که در سرزمین آن ساکن‌اند خارج و مستثنی هستند.
  ۲. بیگانگان تابع قدرت و مقامات ملی خود (کنسولها) می‌باشند.
  ۳. دولت نیست به آنان از حق قانونگذاری و قضایی، که قسمتی از حق حاکمیت داخلی کشور را تشکیل می‌دهد، با طیب خاطر صرف نظر می‌نماید.<sup>۳</sup>
- کاپیتولاسیون یا حق قضاوت کنسولی بر اساس قرارداد خاص یا استفاده از شرط

۱. علی‌اکبر دهخدا، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۲۶، ج ۳۴، ص ۳۴.

۲. ابرج سعیدوزیری، نظام کاپیتولاسیون و الغای آن در ایران، تهران، وزارت امور خارجه، ۲۵۳۷، ص ۴.

۳. محمود عباسی، قرارداد مجربین، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۳، ص ۴۲.

دولت کامله انوداد است. در تاریخ معمولاً کشورهای نیرومند، بنابر دلایل و شرایط و بهانه‌های بسیار، این اختیارات را در ممالک ضعیف به دست آورده‌اند. بر طبق کاپیتولاسیون، اتباع بیگانه از شمول قوانین جزایی و مدنی در قلمرو کشور میزبان مستثنی هستند و رسیدگی به دعاوی حقوقی و جرایم آنها در دادگاههای مخصوص و یا محاکم مختلط یا با حضور کنسول کشور خارجی انجام می‌گیرد. این وضعیت نشان می‌دهد کشوری که برتری نظامی و سیاسی و فرهنگی دارد می‌تواند به تحقیر دیگر ملتها پرداخته دستگاہ قضایی آنها را بی‌اعتبار بشناسد. در قرون اخیر، در کشورهای چین، ترکیه، ایران، مصر و سایر کشورهای مشابه در آسیا و آفریقا قضاوت کنسولی به نفع کشورهای سلطه جو برقرار شده در حالی که با قواعد اسلامی تطبیق نداشته است.<sup>۴</sup>

### سابقه کاپیتولاسیون در کشورهای اسلامی

در سال ۱۵۳۵ میلادی فرانسوای دوم پادشاه فرانسه موفق شد با پادشاه عثمانی، سلیمان پاشا، معاهده‌ای منعقد کند که آن معاهده بعداً از سوی سلاطین دیگر تکمیل گردید و، به موجب آن معاهدات، خارجیان و مخصوصاً فرانسویان موفق شدند خود را از قضاوت دادگاههای ترک معاف نموده در داخل کشور عثمانی به محاکم فرانسوی که برای این منظور تشکیل شده بود مراجعه نمایند.<sup>۵</sup> این امتیاز به علت ضعف دولت عثمانی نبود زیرا در آن زمان دولت عثمانی در اوج قدرت خود قرار داشت و مورخان آن را مدارای اسلامی در مقابل بیگانگان دانسته‌اند. البته بعدها که دولت عثمانی در آستانه زوال و ناتوانی قرار گرفت همین دادن امتیاز قضاوت کنسولی به بیگانگان، عامل مداخلات روزافزون و تجزیه آن امپراتوری بزرگ گردید.<sup>۶</sup>

### سابقه کاپیتولاسیون در ایران

در سال ۱۷۰۸ برای اولین بار از طرف شاه سلطان حسین صفوی سندی که فرانسویها آن را عهدنامه می‌نامیدند حاوی برخی از شرایط کاپیتولاسیون به نفع فرانسویان صادر گردید که در آن قضاوت کنسولی در دعاوی بین فرانسویان پیش‌بینی شده بود. در سال ۱۷۱۵ شاه سلطان حسین موادی به این سند افزود که، به موجب آن، برای کنسول ایران

۴. جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۱، صص ۸۸-۹۰.

۵. علی‌اکبر دهخدا، همان، ص ۳۴.

۶. جلال‌الدین مدنی، همان، صص ۹۰-۹۱.



عده‌ای از نظامیان آمریکایی در ایران ۱۱۵۹-۲۸۸م]

در ماریسی نیز متقابلاً حق رسیدگی به دعاوی بین ایرانیان مقیم فرانسه در نظر گرفته شده بود.<sup>۷</sup> اما این سند چون موجب تسلط و نفوذی نمی‌گردید از آن به عنوان مبنای تسلط بیگانه در شکل کاپیتولاسیون واقعی کمتر نام می‌برند و قرارداد ترکمنچای مورد اساس شناخته می‌شود.<sup>۸</sup>

### ترکمنچای و برقراری کاپیتولاسیون در ایران

بعد از عهدنامه گلستان که پس از اولین جنگ با روسیه منعقد گردید و به موجب آن قسمتی از خاک ایران جدا شد، جنگ دومی به ایران تحمیل شد که نتیجه آن معاهده تحمیلی ترکمنچای در سال ۱۸۲۸م (۱۲۰۳ ه. ش) به امضای عباس میرزا و ایوان پاسکویچ نماینده و فرمانده سپاه روس بود، که مدت یک قرن صدمات بسیاری برای ایران داشت.<sup>۹</sup> استقلال ایران در نتیجه برقراری کاپیتولاسیون به کلی از بین رفت و بعداً هر کشوری با ایران معاهده ای منعقد نمود پایه و اساس آن را معاهده ترکمنچای قرار داد. چون مواد و فصول معاهده ترکمنچای دارای اهمیت است، لازم است که چند ماده آن عیناً در اینجا نقل شود؛ فصل هفت در امور حقوقی و فصل هشت در امور جزایی است: فصل هفت -- تمام امور متنازع فیه و مرافعاتی که بین اتباع روس به وقوع می‌رسد، موافق قوانین و رسوم دولت روسیه، فقط به رسیدگی و حکم سفیر یا کنسولهای اعلیحضرت امپراطور روس حل و فصل می‌شود و همچنین است اختلافات و دعاوی حاصله مابین اتباع روس و اتباع مملکت دیگر در صورتی که طرفین به حکومت مشارالیه تراضی نمایند. اختلافات و مرافعاتی که مابین اتباع ایران و اتباع روسیه به ظهور می‌رسد مراجعه به محاکم ایران شده رسیدگی و صدور حکم آن باید در حضور مترجم سفارت یا کنسولگری به عمل آید. به این دعاوی، که بر وفق قانون ختم شده است، مجدداً رسیدگی نمی‌شود. اگر تجدیدنظر لزوماً اقتضاء نمود باید به استحضار وزیر مختار یا کاردلر یا کنسول روس در حضور مترجم سفارت و یا کنسولگری در یکی از دفترخانه های اعلیحضرت شاهنشاه ایران، که در تبریز و یا تهران منعقد است، تجدید رسیدگی به عمل آمده حکم داده شود.

فصل هشت -- هرگاه شخصی از اتباع روس با اتباع مملکت دیگری متهم به جرمی گردد مورد هیچ تعرض و مزاحمت واقع نخواهد گردید مگر در صورتی که شرکت او در جرم ثابت شود و در این صورت، و نیز در صورتی که تبعه روس

بشخصه به جرم متهم شود، حاکم مملکتی نباید بدون حضور مأموری از طرف سفارت یا کنسولگری به جرم مزبور رسیدگی و حکم دهند. و هرگاه در محل وقوع جرم، سفارت یا کنسولگری وجود ندارد، کارگزاران آنجا مجرم را به محلی اعزام خواهند داشت که در آنجا کنسولی یا مأموری از طرف دولت روسیه برقرار شده باشد؛ حاکم و یا قاضی محل استشهاداتی که بر علیه مولد شخص مظنون است تحصیل کرده و امضاء می‌نماید. این دو استشهد، که به این ترتیب نوشته شده و به محل حاکمه فرستاده می‌شود نوشته معتبر دعوی محسوب خواهد بود، مگر اینکه شخص مقصر خلاف و عدم صحت آن را به طور واضح ثابت نماید. پس از اینکه کما هو حقه تقصیر شخص مجرم به ثبوت رسید و حکم صادر شد مشارالیه به وزیر مختار یا کلردار یا کنسول روس تسلیم خواهد شد که به روسیه فرستاده شود و در آنجا موافق قوانین سیاست شود.<sup>۱۰</sup>

خلاصه اینکه عهدنامه ترکمنچای صلاحیت دخالت و حضور کنسولهای روس و نمایندگان آنان را در دعاوی مدنی و جزایی تعیین می‌نماید:

۱. دعاوی مدنی، که به موجب فصل هفتم عهدنامه سه حالت پیش‌بینی شده بود:
    - الف. در فرض دعوا بین اتباع روسیه، محاکم ایران صلاحیت نداشتند و فقط مأمورین کنسولی روس به حل و فصل موضوع می‌پرداختند.
    - ب. در دعاوی بین اتباع روس و تبعه دولت ثالث نیز علی‌الاصول محاکم ایران حق دخالت نداشتند مگر به رضایت طرفین دعوا.
    - ج. در مورد دعوا بین اتباع روسیه و اتباع ایران حضور کنسول روس در جریان محاکمه الزامی بود.
  ۲. امور جزایی: طبق مقررات فصل هشتم قتل و سایر جرائم بر تکیه بین اتباع دولت روسیه در صلاحیت انحصاری وزیر مختار یا کلردار یا کنسول روس و بر اساس مقررات جزائی روسیه بود.
- در مواردی که اتباع روسیه مستقیماً یا با شرکت اتباع دول دیگر متهم به ارتکاب جرمی می‌شدند رسیدگی به جرائم آنها بدون حضور کنسول و یا نماینده او امکان نداشت.
- پس از اثبات جرم و صدور حکم، مجرم تسلیم مقامات روسیه شده جهت مجازات به روسیه اعزام می‌گردید.

به ضوری که ملاحظه می‌شود، طبق مفاد این فصل صلاحیت تعقیب جزائی و، به‌ویژه، اجرای مجازات، که یکی از مهم‌ترین و بارزترین عناصر حق حاکمیت ملی می‌باشد، رسماً از دولت ایران سلب و به مقامات دولت روسیه تزاری تفویض گردیده است. کنسولهای روسیه تزاری، به موجب حقوقی که به دست آورده بودند، نه تنها در موارد خاص خود حق قضاوت را در یک کشور به ظاهر مستقل غصب کرده بودند بلکه در مواردی هم که فقط اشاره به لزوم حضور آنان در محاکم شده بود، برخلاف مواد عهدنامه عملاً از حدود خود تجاوز می‌کردند و با ایجاد نوعی حق وتو در اخذ تصمیم و حق تصویب در اجرای حکم، نتیجه احکام قضایی را مطابق مصالح و امیال خود تغییر می‌دادند و به طور مستقیم در صدور رأی محاکم کارگزاری دخالت می‌کردند.<sup>۱۱</sup>

### استفاده کشورهای دیگر از کاپیتولاسیون

معاهده ترکمنچای موجب شد که سایر دولتهای خارجی نیز از این فرصت استفاده کنند و امتیاز کاپیتولاسیون را به نفع اتباع خود در ایران به دست آورند. در نتیجه توسعه روابط اقتصادی و سیاسی بین دربار قاجار و دولتهای اروپایی و آمریکایی در نیمه دوم قرن نوزدهم، به تدریج، معاهداتی در زمینه تجارت، اقامت و دریانوردی و یا معاهدات سیاسی تحت عنوان عهدنامه مودت بین ایران و دول مزبور منعقد گردید. اغلب دول غربی کوشش کردند که فرصت این عهدنامه‌ها را غنیمت شمرده و ماده یا شرطی برای استفاده از مزایا و مصونتهای کاپیتولاسیون بگنجانند. این امر به دو شکل انجام شد. برخی از کشورها به طور صریح در عهدنامه خود استفاده از امتیاز کاپیتولاسیون را ذکر کرده‌اند که به ترتیب عبارت‌اند از: اسپانیا، فرانسه، آمریکا، اتریش، بلژیک، یونان، ایتالیا و آلمان. گروه دوم دولتهایی هستند که با ذکر کردن شرط دول کامله‌الوداد از این امتیاز بهره‌مند شدند، که عبارتند از: انگلیس، هلند، دانمارک، سوئد، نروژ، سوئیس، مکزیک، آرژانتین، شیلی، اوروگوئه و برزیل.<sup>۱۲</sup> یعنی، علاوه بر روسیه، حدود بیست کشور دیگر نیز از امتیاز کاپیتولاسیون در ایران بهره‌مند شدند.

### پیامدها و مرزهای کاپیتولاسیون

حمایت کنسولهای خارجی از منافع اتباع خود در زمینه کاپیتولاسیون بسیار وسیع و قدرت اجرایی آنها نیز قابل ملاحظه بود. کنسولهای خارجی به تدریج حمایت خود را از

۱۲. همان، صص ۱۸-۱۹.

۱۱. ایرج سعیدوزیری، همان، صص ۱۴-۱۷.

اتباع دولت خود به اتباع داخلی گسترش دادند. ابتدا مترجم کنسول و کارمندان و خدمه‌ای که شهروندان داخلی بودند از حمایت کنسول به موجب نامه‌ای که کنسول می‌داد بهره‌مند شدند. بعداً بعضی از اتباع دیگر داخلی به علت هم‌مذهب بودن یا طرف معامله بودن یا انجام دادن سایر امور کنسول، با دریافت نامه‌ها در حوزه حمایت کنسول، در مقابل مقامات انتظامی و محلی قرار گرفتند. در مراحل بعدی، کنسولها به هر کس از اتباع داخلی که تقاضا می‌کرد، با شرایط سهل و در بعضی از موارد نیز در مقابل پرداخت پول، از این نوع نامه‌ها می‌دادند بدون اینکه رضایت و موافقت دول محل مأموریت کسب شود.<sup>۱۳</sup> این امر باعث شد تا رجال سیاسی کشور به سوی بیگانگان سوق داده شوند و بعضی علناً تابعیت کشور خارجی را بپذیرند تا از مزایای بیشتری برخوردار شوند. با استفاده از کاپیتولاسیون، اشخاص به ارتکاب اعمال خلاف قانون و بست نشستن در سفارت کشورهای دیگر ترغیب می‌شدند. تشدید اختلاف بین اتباع چند کشور برای دولت ایران ایجاد گرفتاری می‌کرد، مسائل اقتصادی را تابع خواست و منافع بیگانگان قرار می‌داد و آنها هرچه می‌خواستند به کشور وارد و یا از آن خارج می‌کردند. برخلاف حقوق بین‌الملل، اصل حاکمیت و استقلال را متزلزل کرده به قوانین خارجی اعتبار برون‌مرزی می‌داد. از نظر قضایی، اتباع کشور را از حمایت کامل قضایی محروم می‌ساخت و باعث می‌شد که اقلیت‌های مذهبی و ملی اطراف کنسولگری کشورهای خارجی جمع شوند. با مداخلات نمایندگان کنسولی دول صاحب این امتیاز. در حقیقت، حکومت واقعی به دست غیرایرانیها بود. صنایع‌الدوله وزیر مالیه ایران به دست یکی از اتباع روس کشته شد؛ اما قاتل او بدون هیچ تحقیق و محاکمه‌ای، حتی برخلاف مقررات کاپیتولاسیون، به توسط روسها به روسیه فرستاده شد. سید مهدی فرخ در کتاب خاطرات سیاسی خود می‌نویسد: «حکومت‌کنندگان واقعی ایران سفرای روس و انگلیس بودند و قنصل‌های این دو سفارتخانه نمایندگان حیار می‌بودند که می‌زدند و می‌سوختند و می‌کشتند و کسی را یارای مقاومت در مقابل آنها نبود.»<sup>۱۴</sup>

## الغاء کاپیتولاسیون

بعد از انقلاب مشروطیت، عدم رضایت و گاهی خشم مردم نسبت به کاپیتولاسیون شدت گرفت و حتی یکی از علل انقلاب مشروطیت همین مسئله بود. پس از

۱۳. مسعود اسداللهی. احیای کاپیتولاسیون و پیامدهای آن. تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳. ص ۳۳.

۱۴. جلال‌الدین مدنی، همان، صص ۹۲-۹۴.

مشروطیت، دولت ایران نظامنامه‌ای منتشر کرد به نام قانون عدلیه که در فصل اول آن آمده بود: «مطلق دعاوی و تظلماتی که در ممالک محروسه ایران طرح می‌شود، اعم از اینکه متداعیین رعیت خارجه یا داخله یا از طبقه نظام یا از صنف تجار باشند، رسیدگی و حکم قضیه بالانحصار راجع به وزارت عدلیه عظمی است...»<sup>۱۵</sup> خلاصه اینکه شروع اصلاح در دادگستری بعد از انقلاب مشروطه مقدمه‌ای برای الغای کاپیتولاسیون گردید.

قبل از کودتای ۱۲۹۹ چند واقعه دیگر کار الغای کاپیتولاسیون را تسهیل کرد:  
۱. جنگ جهانی اول و تأسیس جامعه ملل و برقراری حق حاکمیت برابر برای کلیه ملل؛

۲. الغاء کاپیتولاسیون در ترکیه در سال ۱۹۱۴؛

۳. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و الغای عهدنامه ترکمنچای؛

۴. صدور تصویبنامه در کابینه صمصام‌السلطنه بختیاری.<sup>۱۶</sup>

در سال ۱۲۹۷ ه. ش دو تصویبنامه در دولت صمصام‌السلطنه تصویب شد و در یکی از آنها قید گردید:

معاهدات، مقاولات و امتیازاتی که از یکصد سال به این طرف دولت استبدادی روس و اتباع آن از ایران گرفته‌اند تماماً تحت فشار و جبر و زور یا به وسیله عوامل غیرمشروعه از قبیل تهدید و تطمیع برخلاف صلاح و صرفه مملکت و ملت ایران شده است و با استناد به قانون اساسی و حق حاکمیت ایران الغاء می‌گردد. و در تصویبنامه دیگر آمده: «محاکمات وزارت خارجه باید موقوف و رسیدگی به دعاوی واقعه بین اتباع خارجه و اتباع ایران در محاکمات عدلیه موافق قوانین مملکتی به عمل آید.»

این زمانی است که دولت شوروی قدرت را در روسیه به دست گرفته بود، دولتی که خود با امتیازات دوره تزاری مخالف بود و پس از مذاکراتی با امضاء قرارداد ۱۹۲۱ (۱۲۹۹ ه. ش) از برخی امتیازات تحمیلی روسیه تزاری صرف‌نظر کرد، البته دولت شوروی عملاً تا سال ۱۳۰۶ ه. ش، که مجلس شورای ملی الغای کاپیتولاسیون را تصویب کرد، از امتیازات آن استفاده می‌کرد.<sup>۱۷</sup>

بعد از کودتای ۱۲۹۹ و به سلطنت رسیدن رضاخان در سال ۱۳۰۴، انگلیسیها، که

۱۵. جلال‌الدین مدنی، همان، ص ۹۵.

۱۷. جلال‌الدین مدنی، همان، ص ۹۶.

۱۶. ایرج سعید وزیری، همان، صص ۲۵-۲۷.



خیالشان از بابت تأسیس یک حکومت ضدکمونیستی و وابسته به خود در ایران راحت شده بود، مانعی ندیدند که رژیم جدید بعضی از امتیازاتی را که بیگانگان در قرن نوزدهم اخذ کرده بودند و اکنون بی‌فایده شده بود، لغو کند تا بدین‌وسیله به وجهه و اعتبار خود بیفزاید.<sup>۱۸</sup> از جمله امتیازاتی که لغو شد کاپیتولاسیون بود که رضاشاه در ششم اردیبهشت ۱۳۰۶، خطاب به مستوفی‌الممالک، رئیس‌الوزرای وقت فرمان الغاء آن را صادر کرد.<sup>۱۹</sup> و بالاخره مجلس شورای ملی الغاء کاپیتولاسیون را در سال ۱۳۰۶ ه.ش. اعلام کرد و به همه دولی که از کاپیتولاسیون استفاده می‌کردند یک سال وقت داده شد تا قراردادهای جدیدی منعقد سازند. فرانسه در قبول الغاء پیشقدم شد و دول دیگر هم کم‌کم تسلیم شدند.<sup>۲۰</sup>

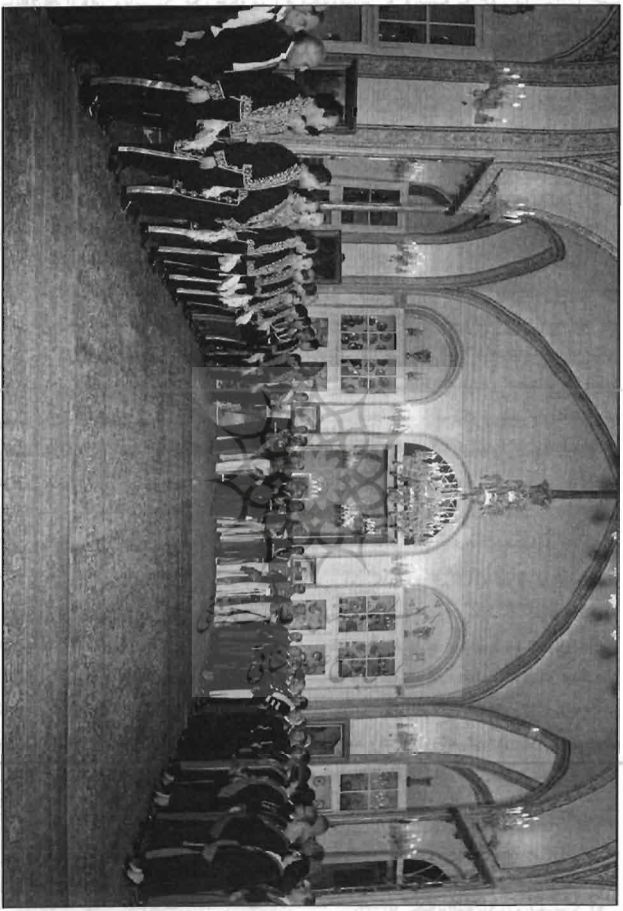
شایان ذکر است که هر چند مجلس شورای ملی بر اثر پافشاری مردانی چون شهید مدرس و همچنین اوضاع بین‌المللی سرانجام لایحه لغو کاپیتولاسیون را تصویب کرد؛ اما در تمام دوران سلطنت پهلوی حتی یک نفر اروپایی و آمریکایی به اتهام جاسوسی، تباری در اختلال امور کشور، سوءاستفاده مالی و اجرایی، خیانت در امانت و دهها نوع جرایم دیگر، که در ایران مرتکب می‌شدند، بازداشت، محاکمه و محکوم نشد و، به عبارت دیگر واقعیت این است که تا پیروزی انقلاب اسلامی، هیچ‌گاه کاپیتولاسیون به طور واقعی لغو نشد.<sup>۲۱</sup>

## احیاء کاپیتولاسیون

در جریان جنگ جهانی دوم نیروهای نظامی آمریکا برای کمک به شوروی از جنوب وارد ایران شدند و پس از آن با قراردادهای مختلف برای آموزش ارتش ایران حضور خود را تداوم دادند. اولین دسته از نیروهای نظامی آمریکا به عنوان میسوینهای نظامی ایران در دسامبر ۱۹۴۲ (آذر ماه ۱۳۲۱) وارد ایران می‌شوند. اینها اغلب از دسته مهندسی ارتش آمریکا بودند. بعد از اینکه مستشاران آمریکا وارد ایران شدند، قرارداد مربوط به هیئت نظامی آمریکا، مأمور بازسازی ارتش ایران، معروف به آرتمیش، در دوازدهم آبان ۱۳۲۱ امضا شد. قرارداد مربوط به هیئت نظامی آمریکا در ژاندارمری هم، که اختصاراً

۱۸. مسعود اسداللهی، همان، ص ۳۷. به نقل از عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی. تاریخ روابط خارجی ایران. تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴. ص ۳۸۳. ۱۹. همان، ص ۳۷. ۲۰. جلال‌الدین مدنی، همان، ص ۹۶.

۲۱. جواد منصوری. سیر تکوینی انقلاب اسلامی. تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵. صص ۲۰۶-۲۰۷.



کابینہ کا انٹیو لاسیون، کالج گلستان، حسینی منصور گورنرز مونیٹری کابینہ خود راہہ شاہ میں [۳۳۷-۳۱-۱۲۱]

جَنَمِش خوانده می شد، در پنجم آذر ۱۳۲۱ امضاء شد.<sup>۲۲</sup>

در سال ۱۳۲۶ قوام سعی کرد پای آمریکا را هر چه بیشتر به ایران باز کند. به همین جهت در ۲۶ مهر ۱۳۲۶ دولت ایران، با انعقاد پیمان محرمانه نظامی آمریکا، به مستشاران نظامی این کشور حق انحصاری دخالت در ارتش ایران را داد. نکته دیگر اینکه در این قراردادها مستشاران آمریکایی را از پرداخت مالیات و عوارض گمرکی معاف نمودند، اما مسئله کاپیتولاسیون هنوز مطرح نیست و تا اواخر دهه ۳۰ شمسی، حتی در دوره مصدق، مستشاران حضور داشتند و حقوقشان پرداخت می شد. در اوایل دهه چهل شمسی و دوره دولت دکتر اقبال، برای تجهیز ارتش ایران و حضور بیش از حد مستشاران آمریکایی، برای اولین بار، مسئله مصونیت سیاسی مطرح شد. شاه، از سوی آمریکا، تحت فشار قرار گرفت تا به درجه داران آمریکایی، که در ارتش ایران به نام مستشار نظامی حضور داشتند، برخلاف قوانین بین المللی، مصونیت سیاسی اعطا شود. این فشارها در زمان علم هم ادامه یافت و شاه نیز به علم فشار آورد تا قضیه حل شود.<sup>۲۳</sup>

در اول آذر ۱۳۴۲، کندی به قتل رسید و «لیندن جانسن» ریاست جمهوری آمریکا را به عهده گرفت رئیس جمهور جدید بلافاصله طرحی را تصویب کرد که به موجب آن، ایران می توانست ۲۰۰ میلیون دلار اسلحه و مهمات از آمریکا خریداری نماید. اما بهای موافقت جانسن با ارسال این مهمات، موافقت ایران با اعطای مصونیت سیاسی به پرسنل نظامی آمریکا و خانواده هایشان بود.<sup>۲۴</sup>

دولت امیراسدالله علم، پس از پشت سر گذاشتن واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و انجام دادن انتخابات مجلس بیست و یکم، در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۴۲ تصویبنامه ای صادر کرد که به موجب آن، دولت هنگام تقدیم قرارداد بین المللی وین مربوط به مصونیت های دیپلماتیک به مجلسین، ماده واحده ای را مبنی بر برخورداری اعضای هیئتهای مستشاری آمریکا در ایران از امتیازات و مصونیت های مربوط به کارکنان اداری و فنی نمایندگان دیپلماتیک ذکر شده در قرارداد وین، به آن منضم نماید. این تصویبنامه به منظور قبول تقاضای دولت ایالات متحده آمریکا صادر شده بود. توضیح آنکه سفارت آمریکا در تهران، در اسفندماه ۱۳۴۰ در دوران نخست وزیر دکتر علی امینی، طی

۲۲. دکتر محمد مرآت، «کاپیتولاسیون در ایران»، به نقل از نشست تخصصی حق قضاوت کنسولی اکاپیتولاسیون، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۲، ص ۱۲.

۲۳. همان، ص ۱۳.

۲۴. سعید اسداللهی، همان، ص ۵۱. به نقل از: عبدالرضاهوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم، همان، ص ۱۳.

یادداشتی به عنوان وزارت امور خارجه ایران، برخورداری اعضای هیئتهای مستشاری آمریکایی از امتیازات و مصونیت‌های قرارداد وین را خواسته بود.<sup>۲۵</sup>

علم لایحه قرارداد بین‌المللی وین و ماده واحده کاپیتولاسیون را در اواخر عمر دولت خود، یعنی در ۲۱ بهمن ۱۳۴۲ به مجلسین ارائه نمود، تا فرصت بررسی این لایحه در زمان نخست‌وزیری او به دست نیاید و در نتیجه دفاع از این لایحه ننگین برعهده دولت بعدی، یعنی حسنعلی منصور، قرار بگیرد.<sup>۲۶</sup>

### جریان تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس سنا

قرارداد بین‌المللی وین و ماده واحده ضمیمه آن در بهمن ماه ۱۳۴۲ به مجلس سنا تسلیم شد. قرارداد وین در جلسه ۲۵ خرداد ۱۳۴۳ به تصویب رسید؛ ولی ماده واحده را در آن جلسه مطرح نکردند. حدود شش هفته بعد که مجلس سنا در تعطیلات تابستانی بود، نخست‌وزیر جدید حسنعلی منصور - که از اسفند ۱۳۴۲ جانشین علم شده بود - تشکیل یک جلسه فوق‌العاده سنا را برای رسیدگی به لایحه تسهیل وصول مالیاتها و لایحه اصلاحی بودجه کل کشور درخواست کرد. عده‌ای از سناتورها به سفر رفته بودند؛ در نتیجه، جلسه فوق‌العاده روز سه‌شنبه سوم مرداد ۱۳۴۳ تنها با حضور ۲۶ نفر از ۶۰ سناتور و نخست‌وزیر و هیئت دولت و معاون وزارت امور خارجه، در ساعت نه و پانزده دقیقه صبح تشکیل شد. تمام روز جلسه ادامه یافت و لایحه اصلاح بودجه نزدیک ساعت یازده و نیم شب به تصویب رسید. سناتورها قصد رفتن کردند ولی رئیس مجلس سنا، مهندس شریف‌امامی، از آنها خواست که به متن نامه‌ای که از دولت رسیده بود توجه کنند. سپس متن نامه نخست‌وزیر را، که رسیدگی به دو ماده واحده مربوط به دو فقره یادداشت بین وزارت خارجه و سفارت ایالات متحده آمریکا در ایران را تقاضا کرده بود قرائت کرد و گفت: «البته مقدور هم بود که فردا جلسه فوق‌العاده تشکیل بدهیم ولی چون کار بسیار مختصری [!] است اجازه بفرمایید الآن تمامش کنیم.»<sup>۲۷</sup>

متن ماده واحده به شرح زیر قرائت شد:

ماده واحده - با توجه به لایحه شماره ۱۸-۲۲۹۱-۵۷-۱۱/۲۱-۱۳۴۲/۱۱ دولت و ضمائم آن، که در تاریخ ۲۱/۱۱/۴۲ به مجلس سنا تقدیم شده، به دولت اجازه داده می‌شود که رئیس و اعضاء هیئتهای مستشاری نظامی ایالات متحده در ایران که به

۲۵. عبدالرضاعوشنگ مهدوی، سیست خارجی ایران دو دوران پهلوی ۱۳۰۰-۱۳۵۷. تهران، البرز، ۱۳۷۳.

ص ۳۰۸. ۲۶. مسعود اسداللهی، همان، ص ۵۲.

۲۷. عبدالرضاعوشنگ مهدوی، همان، ص ۳۰۹.



مسئولیتها و معافیتهایی که شامل کارمندان اداری و فنی موصوف در بند «واو» ماده اول قرارداد وین، که در تاریخ هجدهم آوریل ۱۹۶۱ مطابق بیست و نهم فروردین ۱۳۴۰ به امضاء رسیده است می باشد، برخوردار نماید.<sup>۲۸</sup>

حسنعلی منصور برای طرح این لایحه تقاضای «فوریت» می کند و در جلسه سنا می گوید: «... استدعای فوریت می کنم برای اینکه بشود امشب، چون یک مطلب کاملاً ساده و عادی است، تصویب بشود».<sup>۲۹</sup>

سناتورها ابتدا با قیام و قعود به فوریت لایحه رأی دادند و پس از بحث کوتاهی، که کمتر از نیم ساعت طول کشید، ماده واحده را در ساعت ۱۲ شب در حالت خواب و بیداری تصویب کردند و لایحه برای تصویب به مجلس شورای ملی ارسال شد.<sup>۳۰</sup> در آن ساعات نزدیک به نیمه شب، برای سناتورهای فرتوت که، به گفته شاهدان عینی، در شرایط معمولی هم در جلسات سنا به خواب می رفتند، آگاهی از آنچه تصویب شد بعید به نظر می رسید.<sup>۳۱</sup>

در مجلس سنا تنها سؤالی که شد این بود که سناتور عیسی صدیق گفت چون معافیت بند «واو» ماده اول قرارداد وین متبادر به ذهن نیست، خوب است توضیحی بدهند. احمد میرفندرسکی معاون وزارت امور خارجه، که در کنار نخست وزیر، دفاع از لایحه را بر عهده داشت، توضیح داد: «پس از اینکه زیاد برای این موضوع فکر کردیم و مشاوره کردیم با دستگاههای مختلف مملکت به این نتیجه رسیدیم که اعطای این مصونیتها و این مزایا ضروری برای دولت شاهنشاهی ندارد و معافیت مالیاتی است که از حقوق آنان مالیات گرفته نشود و یا برای مسکن و تغذیه معافیت داشته باشند، مهم نیست... این مستلزم همکاری است که ما با دولت آمریکا داریم و اگر فرض بفرمایید که ما این را به دولت دیگری بدهیم، این صحیح نیست...»<sup>۳۲</sup>

پس از این تحریرات، که کاپیتولاسیون را در حد معافیت مالیاتی معرفی می کنند،

۲۸. دانشجویان پیرو خط امام. اسناد لایحه جاسوسی، ج ۷: مستشاری نظامی آمریکا در ایران (۲). تهران، مرکز نشر اسناد لایحه جاسوسی، ۱۳۶۹. ص ۱۱ و عبدالرضاهوشنگ مهدوی، همان، ص ۳۱۰.

۲۹. دانشجویان پیرو خط امام، همان، ص ۱۲.

۳۰. عبدالرضاهوشنگ مهدوی، همان، ص ۳۱۰.

۳۱. برای مطالعه بیشتر، رک: محمدعلی سفری. قلم و سیلست (۲) از کودتای ۲۸ مرداد تا دردمنصور. تهران، نامک، ۱۳۷۳. صص ۶۲۹-۶۵۰.

۳۲. دانشجویان پیرو خط امام، همان، ص ۱۴.

طبیعی است که سناتور مذکور که مکلف بود قانع شود، این اظهار نمایندگی دولت را پذیرفت و قانع شد؛ حال آنکه اگر چنین تکلیفی نداشت، می‌توانست از یک منشی بخواهد که از دفتر سنا متن قرارداد وین را برایش بیاورند و با یک نگاه بر مواد آن، دریابد که به آنها خلاف می‌گویند<sup>۳۳</sup> و این معافیتها در اصل کاپیتولاسیون دوم است.

بعد از توضیحات و، به عبارت بهتر، تحریفات نمایندگی دولت، رأی‌گیری به عمل آمد و در ساعت ۱۲ شب کاپیتولاسیون به تصویب رسید. پس از جلسه، بعضی از سناتورها نارضایتی خود را از این لایحه به صورت شفاهی ابراز داشتند، اما هیچ یک جرئت مخالفت علنی با این لایحه را در هنگام طرح آن نداشتند.<sup>۳۴</sup>

### تصویب در مجلس شورای ملی

مجلس دوره بیست و یکم، که نخستین نمره «انقلاب سفید شاه» بود، چشم و گوش به فرمان شاه داشت. به همین جهت در مورد این قرارداد نیز آگاهی از، به اصطلاح، «منویات ملوکانه» مورد حاجت نبرم و کلا بود. حسنعلی منصور با ارتباط نزدیکی که با آمریکاییها داشت درصدد بود با اعمال قدرت در تصویب این قرارداد موقعیت خود را تثبیت کند.<sup>۳۵</sup>

دوره ۲۱ مجلس شورا، که پس از تصویب انقلاب سفید شروع به کار کرده بود، جمعیاً ۱۸۸ نماینده داشت. حزب ایران نوین، که نقش اکثریت را ایفا می‌نمود، نزدیک به ۱۴۰ نماینده داشت. حزب مردم نقش اقلیت را به عهده داشت و چند نفر نیز به عنوان نمایندگان منفرد در مجلس حضور داشتند. درصد نمایندگان دانشگاه دیده در این مجلس قریب به ۶۲ درصد اعضا می‌رسید که بیشترین رقم در تاریخ سیاسی ایران تا آن زمان بود.<sup>۳۶</sup>

در مجلس شورای ملی نیز نحوه کار عادی نبود. مجلس که در تعطیلات تابستانی به سر می‌برد، فردای روز تصویب لایحه در سنا، به تقاضای دولت جلسه فوق‌العاده تشکیل داد و فوریت لایحه را تصویب کرد. شور نهایی در جلسه سه‌شنبه ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ انجام گرفت.<sup>۳۷</sup> جلسه روز ۲۱ مهر در ساعت ۸ صبح آغاز به کار کرد، تا ساعت ۵ بعدازظهر به کار خود ادامه داد و حتی برای صرف ناهار نیز تعطیل نشد؛ زیرا مقامات

۳۳. مسعود اسداللهی، همان، ص ۵۶.

۳۳. عبدالرزاق مهدوی، همان، ص ۳۱۰.

۳۵. محمدعلی سفری، همان، ص ۶۵۹.

۳۶. مسعود اسداللهی، همان، صص ۶۲-۶۵.

۳۷. عبدالرزاق مهدوی، همان، ص ۳۱۳.





شماره ۶۹-۱۳۹۴ م  
کتابخانه مجلس شورای اسلامی  
کتاب: حشمتی منصور برای تصویب کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی (۱۳۹۴م)

دولت فکر می‌کردند اگر جلسه حتی برای یک ساعت متوقف شود ممکن است عده‌ای از نمایندگان از مجلس خارج شوند و جلسه از رسمیت خارج شود چون در آن روز ۵۲ نفر، از ۱۸۸ نماینده، غایب بودند که اکثرشان، غیبت غیرموجه داشتند

عبدالله ریاضی رئیس مجلس نیز پنج روز قبل از طرح لایحه در جلسه علنی به بهانه معالجه عازم آمریکا شده بود و ریاست جلسه با معاون او، دکتر حسین خطیبی بود. تنها کمتر از ۱۵ نفر از نمایندگان جرئت صحبت در مخالفت با لایحه را به خود دادند که آنها نیز حرفهای خود را پس گرفتند.<sup>۳۸</sup> اما جالب این است که حتی نمایندگان سر به راه و دست‌چین پهلوی به دشواری به لایحه رأی دادند و اخذ رأی به شکل مخفی و با ورقه انجام شد و از ۱۳۶ رأی، لایحه با ۷۴ رأی موافق و ۶۱ رأی مخالف تصویب شد.<sup>۳۹</sup> و بنا بر گزارش کاردار سفارت آمریکا، که به واشنگتن نوشته است، ده نفر از نمایندگان حزب ایران نوین به علت رأی مخالفی که داده بودند از حزب اخراج شدند.<sup>۴۰</sup>

### مزایا و مصونیت‌هایی که داده شد

- مصونیت‌های اعطا شده به نظامیان آمریکایی موضوع مواد ۲۹ تا ۳۶ قرارداد وین است که اهم آنها به این شرح می‌باشد:
- الف. شخص مأمور سیاسی مصون از تعرض است و نمی‌توان او را به هیچ عنوان توقیف یا بازداشت کرد. (ماده ۲۹)
- ب. محل اقامت خصوصی مأمور سیاسی مانند اماکن سیاسی مصون از تعرض و مورد حمایت خواهد بود. اسناد و مکاتبات و همچنین اموال او مصون خواهد بود. (ماده ۳۰)
- ج. مأمور سیاسی، در کشور پذیرنده، از مصونیت تعقیب جزائی برخوردار است و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهد بود. (ماده ۳۱)
- د. معافیت‌های مالیاتی و گمرکی و .... (ماده ۳۴ و ۳۶)
- در ابتدا، بحث این بوده که مستشاران نظامی آمریکا صاحب این مصونیت‌ها گردند؛ اما در آخرین یادداشت سفارت کبرای آمریکا تفسیر عجیب و غریبی به دولت ایران تحمیل کرده‌اند و عجیب‌تر اینکه به همان صورت هم در مجلس تصویب شده است و عملاً مصونیت‌هایی فراتر از قرارداد وین به آمریکاییها داده شد. در یادداشت سفارت آمریکا،

۳۸. سعود اسداللهی، همان، ص ۶۵

۳۹. عبدالرضاهوشنگ مهدری، همان، صص ۲۱۳-۲۱۶.

۴۰. دانشجویان پیرر خط امام، همان، ص ۱۴۶.



که به لایحه ضمیمه شد، آمده است: «به نظر این سفارت، هیئت‌های مستشاری نظامی ایالات متحده در ایران شامل است بر کلیه کارمندان نظامی یا مستخدمین غیرنظامی وزارت دفاع و خانواده‌های ایشان... که در ایران مسکن دارند.» یعنی با این تفسیر، هر کسی را که آمریکا خواست به ایران وارد کند، چه مستشار باشد و چه نباشد، می‌تواند از این مصونیتها و مزایا استفاده کند. غالب این اتباع آمریکایی معاف شده، هر سال چندین نوبت کالاهایی را به ایران وارد می‌کردند و، تحت عنوان مصونیت، حقوق گمرکی پرداخت نمی‌کردند. بسیاری از کالاهای ممنوع‌الورود به وسیله این افراد به کشور وارد می‌شد. فراوانی سیگار آمریکایی و مشروبات الکلی و دهها نوع کالاهای دیگر در سالهایی که این مصونیتها قابل اجرا بود مفاسد عظیمی را به بار آورد.<sup>۲۱</sup>

### مخالفت امام خمینی در برابر کاپیتولاسیون

رژیم شاه، که از عکس العمل مردم در برابر این ننگ بزرگ به شدت نگران بود، تلاش کرد تا مردم را بیخبر نگهدارد. خبر تصویب لایحه در مجلس سنا که مطلقاً منتشر نشد و از انتشار مذاکرات مجلس شورای ملی نیز جلوگیری کردند. روزنامه رسمی هم، که همیشه عین مذاکرات را درج می‌کند، چند روز به بهانه «نقص فنی چاپخانه» انتشار نیافت.<sup>۲۲</sup> اما هنوز چند روزی از احیا و تصویب رژیم کاپیتولاسیون نگذشته بود که مجله داخلی مجلس، که متن سخنرانیه‌ها و گفت‌وگوهای میان نمایندگان و رئیس دولت (حسنعلی منصور) در این زمینه را در برداشت، به دست حضرت امام خمینی رسید. و ایشان دریافت که رژیم شاه بار دیگر چه ضربه خانمانسوزی بر پایه استقلال ایران زده و چه خیانت بزرگی به ملت شریف و آزادی این کشور کرده است.<sup>۲۳</sup>

امام خمینی، به منظور افشای این خیانت، تصمیم گرفتند که طی ایراد نطقی مضار این عمل رژیم را به اطلاع برسانند. ایشان، برای آگاه ساختن علما و روحانیون مرکز و شهرستانها، بیکه‌هایی همراه با نامه به اطراف کشور روانه نمودند و خود نیز با مقامات روحانی قم به گفت‌وگو نشستند. به تدریج تعداد کثیری از مردم وارد قم شدند تا شاهد سخنرانی امام باشند.<sup>۲۴</sup>

رژیم شاه برای جلوگیری از این سخنرانی نماینده‌ای به قم اعزام کرد؛ اما او نتوانست

۲۱. سید جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶، ج ۲، صص ۹۸-۱۰۰.

۲۲. عبدالرضاعوشنگ مهدوی، همان، ص ۳۱۷.

۲۳. سید حمید روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، تهران، راه امام، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۷۰۸.

۲۴. مسعود اسداللهی، همان، صص ۸۸-۸۹.



با امام دیدار کند، و به ناچار تقاضای ملاقات با فرزند امام، آقامصطفی، را نمود و طی دیداری به ایشان اظهار داشت:

آمریکا به منظور کسب وجهه در میان مردم با تمام قدرت فعالیت می‌کند و پول می‌ریزد. و از نظر قدرت در موقعیتی است که هرگونه حمله به آن به مراتب خطرناک‌تر از حمله به شخص اول مملکت است [۲۵] آیت‌الله خمینی اگر این روزها بنا دارند نطقی ایراد کنند باید خیلی مواظب باشند که به دولت آمریکا برخوردی نداشته باشد که خیلی خطرناک است و با عکس‌العمل تند و شدید آنان مواجه خواهد شد. دیگر هرچه بگویند -- حتی حمله به شخص شاه -- چندان مهم نیست [۲۵]

حضرت امام خمینی هرگز به این تهدیدها توجهی نکردند. با فرا رسیدن روز چهارم آبان ۱۳۴۳ مصادف با ۲۰ جمادی‌الثانی، روز میلاد باشکوه بانوی انقلابی اسلام حضرت فاطمه سلام‌الله علیها، شهرستان قم از توده‌های انبوهی، که از سراسر ایران آمده بودند، انباشته شده بود. منزل امام، کوچه‌های اطراف و باغ اناری که در مجاور منزل ایشان است از جمعیت موج می‌زد. <sup>۲۶</sup> امام خمینی این سخنرانی را، با آنکه در روز تولد حضرت زهرا سلام‌الله علیها ایراد شد، با آیه «استرجاع» (انا لله و انا الیه راجعون) شروع کردند. جیمز بیل، محقق آمریکایی می‌گوید: «این سخنرانی پرشور یکی از مهم‌ترین و تحریک‌کننده‌ترین بیانات سیاسی ایراد شده در ایران در این قرن می‌باشد...» <sup>۲۷</sup> امام خمینی در بخشهایی از سخنرانی خود چنین فرمودند:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

**پایمالی استقلال و عظمت ایران با احیای کاپیتولاسیون**

انا لله و انا الیه راجعون. من تأثرات قلبی خودم را نمی‌توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است. این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام خوابم کم شده (گریه حضار) ناراحت هستم، قلبم در فشار است، با تأثرات قلبی روزشماری می‌کنم که چه وقت مرگ پیش بیاید (گریه شدید حضار). ایران دیگر عید ندارد! (گریه حضار) عید ایران را عزا کرده‌اند (گریه حضار) عزا کردند و چراغانی کردند، عزا کردند و دسته‌جمعی رقصیلند. ما را فروختند، استقلال ما را فروختند و باز هم چراغانی کردند، پایکوبی کردند. اگر من به جای اینها بودم این چراغانیها را منع می‌کردم؛

۴۶. همان، ص ۷۱۱.

۴۵. سید حمید روحانی، همان، صص ۷۱۰-۷۱۱.

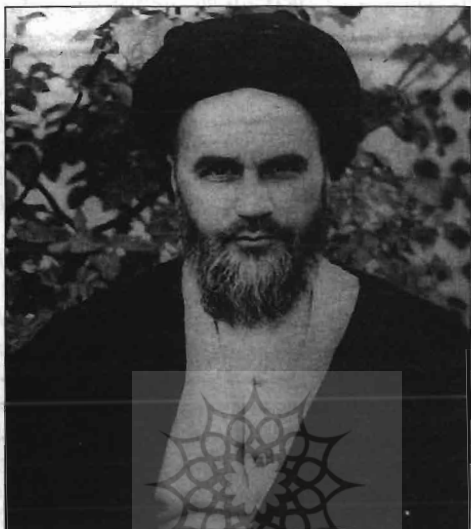
۴۷. سعود اسداللهی، همان، ص ۹۰. به نقل از: جیمز بیل، «عقاب و شیر»، ترجمه مهوش غلامی، روزنامه

اطلاعات، مورخ ۶/۱۵/۶۷، ص ۱۲.



می‌گفتم بیرق سیاه بالای سر بازارها بزنند، بالای سر خانه‌ها بزنند، چادر سیاه بالا بیاورند. عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت، عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند.

قانونی در مجلس بردند در آن قانون اولاً ما را ملحق کردند به پیمان وین و ثانیاً الحاق کردند به پیمان وین که تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده‌هایشان، با کارمندان فنی‌شان، با کارمندان اداری‌شان، با خدمه‌شان، با هر کس که بستگی به آنها دارد، اینها از هر جنایتی که در ایران بکنند مصون هستند؛ اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد محاکمه کند؛ بازپرسی کند؛ باید برود آمریکا! آنجا در آمریکا اربابها تکلیف را معین کنند دولت سابق این تصویب را کرده بود و به کسی نگفت. دولت حاضر این تصویب را در چند روز پیش از این برد به مجلس و در چند وقت پیش از این به سنا بردند و با یک قیام و قعود مطلب را تمام کردند و باز نفسشان در نیامد. در این چند روز این تصویب را بردند به مجلس شورا و در آنجا صحبت‌هایی کردند، مخالفت‌هایی شد، بعضی از وکلا هم مخالفت‌هایی کردند، صحبت‌هایی کردند لکن مطلب را گذراندند، با کمال وقاحت گذراندند. دولت با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد. ملت ایران را از سگ‌های آمریکا پست‌تر کردند، اگر چنانچه کسی سگ آمریکایی را زیر بگیرد بازخواست می‌کنند، اگر شاه ایران یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد بازخواست می‌کنند و اگر چنانچه یک آشپز آمریکایی شاه ایران را زیر بگیرد، مرجع ایران را زیر بگیرد، بزرگ‌ترین مقام را زیر بگیرد هیچ‌کس حق تعرض ندارد، چرا؟ برای اینکه می‌خواستند وام بگیرند از آمریکا. آمریکا گفت این کار باید بشود (لابد اینجور است). بعد از سه چهار روز، وام دو بیست میلیون، دو بیست میلیون دلاری تقاضا کردند. دولت تصویب کرد که در ظرف پنج سال مبلغ مزبور را به دولت ایران بدهند و در عرض ۱۰ سال سیصد میلیون بگیرند. می‌فهمید یعنی چه؟ دو بیست میلیون دلار، هر دلاری ۸ تومان در عرض پنج سال وام بدهند به دولت ایران برای نظام و در عرض ۱۰ سال سیصد میلیون، آنطور که حساب کردند، ۳۰۰ میلیون دلار از ایران بگیرند یعنی ۱۰۰ میلیون دلار یعنی ۸۰۰ میلیون تومان از ایران در ازای این وام نفع بگیرند. مع‌ذکب ایران خودش را فروخت برای این دلارها. ایران [و] استقلال ما را فروخت، ما را جزه [جزو] دول مستعمره حساب کرد، ملت مسلم ایران را پست‌تر از وحشیها در دنیا معرفی کرد، در ازای وام ۲۰۰ میلیون که ۳۰۰ میلیون دلار پس بدهند. ما با این مصیبت چه بکنیم؟ روحانیون با این مطالب چه بکنند؟ به کجا پناه ببرند؟ عرض خودشان را به چه مملکتی برسانند؟



[۱۲۴-۲۷۷ ط]

### کاپیتو لاسیون مخالف رأی ملت است

سایر ممالک خیال می‌کنند که ملت ایران است، این ملت ایران است که اینقدر خودش را پست کرده است؛ نمی‌دانند این دولت ایران است، این مجلس ایران است، این مجلس است که هیچ ارتباطی به ملت ندارد، این مجلس سرنیزه است. این مجلس چه ارتباطی به ملت ایران دارد؟! ملت ایران به اینها رأی ندادند، علمای طراز اول، مراجع، بسیاریشان تحریم کردند انتخابات را؛ ملت تبعیت کرد از اینها، رأی نداد لکن زور سرنیزه اینها را آورد در این کرسی نشاند.

### نفوذ روحانی مضر به حال دشمنان ملت است نه خود ملت

در یکی از کتابهای تاریخی، که امسال به طبع رسیده است و به بجه‌های ما تعلیم



می‌شود، این است که بعد از اینکه یک مسائل دروغی را نوشته است، آخرش نوشته است که معلوم شد که قطع نفوذ روحانیت، قطع نفوذ روحانیون در رفاه حال این ملت مفید است. رفاه حال ملت به این است که روحانیون را از بین ببرند. همین طور است؛ اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد این ملت اسیر انگلیسی یک وقت باشد، اسیر آمریکا یک وقت باشد. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که اسرائیل قبضه کند اقتصاد ایران را، نمی‌گذارد که کالاهای اسرائیل در ایران بدون گمرک فروخته بشود. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که اینها سر خود یک همچنین قرصه بزرگی را به گردن ملت بگذارند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد این هرج و مرجی که در بیت‌المال هست، بشود. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که هر دولتی هر کاری می‌خواهد انجام بدهد ولو صد در صد بر ضد ملت باشد. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که مجلس به این صورت مبتذل درآید. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که مجلس با سرنیزه درست بشود تا این فضاحت از آن پیدا بشود. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که دختر و پسر با هم، در آغوش هم، کشتی بگیرند، چنان که در شیراز شده است. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که دخترهای معصوم مردم زیر دست جوانها در مدارس باشند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد که زنهارا در مدرسه مردها ببرند، مردها را در مدرسه زنهارا ببرند و فساد راه بیندازند. اگر نفوذ روحانیون باشد توی دهن این دولت می‌زنند، توی دهن این مجلس می‌زنند، و وکلارا از مجلس بیرون می‌کنند. اگر نفوذ روحانیون باشد تحمیل نمی‌تواند بشود یک عده از وکلا بر سر نوشت یک مملکتی که حکومت کنند. اگر نفوذ روحانیون باشد نمی‌گذارد یک دست‌نشانده آمریکایی این غلطها را بکند؛ بیرونش می‌کنند از ایران. نفوذ اینها، نفوذ روحانی مضر به حال ملت است؟ نخیر، مضر به حال شماست، مضر به حال شما خائنهاست نه مضر به حال ملت. شما دیدید با نفوذ روحانی نمی‌توانید هر کاری را انجام دهید، هر غلطی را بکنید، می‌خواهید نفوذ روحانی را از بین ببرید. شما کلمات کردید که با صحنه‌سازیها می‌توانید که بین روحانیون اختلاف بیندازید؟ نمی‌توانید؛ این خواب باید در مرگ برای شما حاصل شود، نمی‌توانید همچو کاری انجام دهید، روحانیون با هم هستند. من به تمام روحانیون تعظیم می‌کنم، دست تمام روحانیون را می‌بوسم؛ آن روز اگر دست مراجع را می‌بوسیدم، امروز دست طلاب را هم می‌بوسم (گریه حضار). من امروز دست بقال را هم می‌بوسم (گریه شدید حضار).

**اعلام خطر به کلیه اقشار ملت**

آقا، من اعلام خطر می‌کنم، ای ارتش ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای سیاسیون

ایران، من اعلام خطر می‌کنم! ای بازرگانان، من اعلام خطر می‌کنم! ای علمای ایران، ای مراجع اسلام، من اعلام خطر می‌کنم! ای فضلا، ای طلاب، ای مراجع، ای آقایان، ای نجف، ای قم، ای مشهد، ای تهران، ای شیراز، من اعلام خطر می‌کنم! خطر دار است، معلوم می‌شود زیر پرده‌ها چیزهایی است و ما نمی‌دانیم، در مجلس گفتند نگذارید پرده‌ها بالا برود؛ معلوم می‌شود برای ما خوابها دیده‌اند. از این بدتر چه خواهند کرد؟ نمی‌دانم از اسارت بدتر چه؟ از ذلت بدتر چه؟ چه می‌خواهند با ما بکنند؟ چه خیالی دارند اینها؟ این قرضه دلار چه به سر این ملت می‌آورد؟ این ملت فقیر ده سال ۱۰۰ میلیون دلار، ۸۰۰ میلیون تومان نفع پول به آمریکا بدهد؟ در عین حال ما را بفروشد برای یک همچو کاری؟!

نظامیان آمریکایی، مستشاران نظامی آمریکایی به شما چه نفعی دارند؟ آقا اگر این مملکت [در] اشغال آمریکاست پس چرا اینقدر عریبه می‌کشید، پس چرا اینقدر دم از ترقی می‌زنید؟ اگر این مستشاران نوکر شما هستند پس چرا از اربابها بالاترشان می‌کنید؟ پس چرا از شاه بالاترشان می‌کنید. اگر نوکرند مثل سایر نوکرها با آنها عمل کنید، اگر کارمند شما هستند مثل سایر ملل که با کارمندانشان عمل می‌کنند شما هم عمل کنید. اگر مملکت ما [در] اشغال آمریکایی است پس بگویید؛ پس ما را بردارید بریزید بیرون از این مملکت. چه می‌خواهند با ما بکنند؟ این دولت چه می‌گوید به ما؟ این مجلس چه کرد با ما؟ این مجلس غیرقانونی، این مجلس محرم، این مجلسی که به فتوا و به حکم مراجع تقلید تحریم شده است. این مجلسی که یک وکیلش از ملت نیست، این مجلسی که به ادعا می‌گوید ما، ما، ما، از انقلاب سفید آمده‌ایم. آقا کو این انقلاب سفید؟ پدر مردم را درآوردند. آقا، من معظلم. خدا می‌داند که من رنج می‌برم، من معظلم از این دهات، من معظلم از این شهرستانهای دورافتاده، از این قم بدبخت، من معظلم از کرسنگی خوردن مردم، از وضع زراعت مردم.

### سکوت در مقابل ابرقدرتها از معاصی کبیوه است

آقا فکری بکنید برای این مملکت، فکری بکنید برای این ملت. می‌قرض روی قرض بیاورید؟! می‌نوکر بشوید!! البته دلار نوکری هم هست، دلارها را شما می‌خواهید استفاده کنید نوکریش را ما بکنیم. اگر ما زیر اتومبیل رفتیم کسی حق ندارد به آمریکا بیا بگوید بالای چشمت ابروست لکن شماها استفاده‌اش را بکنید، مطلب اینطور است. نباید گفت اینها را؟ آن آقایانی که می‌گویند که باید خفه شد، اینجا هم باید خفه شد؟ اینجا هم خفه بشویم؟ ما را بفروشد و خفه بشویم؟ قرآن ما را بفروشد و خفه بشویم؟ والله گناهکار است کسی که داد نزند، والله مرتکب کبییره است کسی که فریاد نکند (گرچه شدید حضار).

ای سران اسلام، به داد اسلام برسید! ای علمای نجف، به داد اسلام برسید! ای علمای قم، به داد اسلام برسید! (گریه شدید حاضرین در مجلس) ای ملل اسلام!، ای سران ملل اسلام، ای رؤسای جمهور ملل اسلامی، ای سلاطین ملل اسلامی!، ای شاه، به داد خودت برس! به داد همه ما برسید! ما زیر چکمه آمریکا برویم چون ملت ضعیفی هستیم؟! چون دلار ندلریم؟! آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر؛ همه از هم بدتر، همه از هم پایدارتر.

### امروز دولت آمریکا منفورترین دولت در نظر ماست

اما امروز سر و کلر ما با این خبیثاست با آمریکا است. رئیس جمهور آمریکا بدانند، بدانند این معنا را که منفورترین افراد دنیاست پیش ملت ما، امروز منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما. یک همچین ظلمی به دولت اسلامی کرده است؛ امروز قرآن با او خصم است، ملت ایران با او خصم است. دولت آمریکا بدانند این مطلب را! ضایع کردند او را در ایران، خراب کردند او را در ایران.

### ما را به آمریکا فروختند

برای مستشارها مصونیت می‌گیرید؟ بیچاره وکلا داد زدند «آقا از این دوستهای ما بخواهید به ما اینقدر تحمیل نکنند، ما را نفروشید، ما را به صورت مستعمره در نیابورید کسی گوش نداد به اینها. از پیمان وین یک ماده را اصلاً ذکر نکردند؛ ماده ۳۲ ذکر نشده است. من نمی‌دانم آن ماده چه است، من که نمی‌دانم؛ رئیس مجلس هم نمی‌داند، وکلا هم نمی‌دانند؛ نمی‌دانند که قبول کردند طرح را. طرح را قبول کردند، طرح را امضاء کردند، تصویب کردند؛ اما عده‌ای اقرار کردند که ما اصلاً نمی‌دانیم چیست (آنها هم لابد امضاء نکرده باشند) آن عده دیگر بدتر از آنها بودند، یک عده جهال‌اند اینها.

رجال سیاسی ما، صاحب منصبهای بزرگ ما، رجال سیاسی ما، یکی بعد از دیگری را کنار می‌گذارند. الآن در مملکت ما به دست رجال سیاسی که وطنخواه باشند چیزی نیست، در دست آنها چیزی نیست. ارتش هم بدانند یکی‌تان را بعد از دیگری کنار می‌گذارند. دیگر برای شما آبرو گذاشتند؟ برای نظام شما آبرو گذاشتند که یک سرباز آمریکایی بر یک ارتشید ما مقدم است؟ یک آشپز آمریکایی بر یک ارتشید ما مقدم شد در ایران. دیگر برای شما آبرو باقی ماند؟ اگر من بودم استعفا

می‌کردم، اگر من نظامی بودم استعفا می‌کردم؛ من این ننگ را قبول نمی‌کردم، اگر من وکیل مجلس بودم استعفا می‌کردم.

### قطع نفوذ روحانی قطع ید رسول الله است

باید نفوذ ایرانیها قطع بشود! باید مصونیت برای آشپزهای آمریکایی، برای مکانیکهای آمریکایی، برای اداری آمریکایی، اداری و فنی، مأمورین، کارمندان اداری، کارمندان فنی برای خانواده‌هایشان مصونیت باشد؛ لکن آقای قاضی در حبس باشند! آقای اسلامی را با دستبند ببرند این ور و آن ور! این خدمتگزارهای اسلام، علمای اسلام در حبس باید باشند، وعاظ اسلام در حبس باشند؟ طرفداران اسلام باید در بند عباس حبس باشند برای اینکه اینها طرفدار روحانیت هستند؟ خودشان یا روحانی اند یا طرفدار روحانی. این را در تاریخ ایران دست مردم دادند، اینها، سند دست دادند که معلوم شد رفاه حال این ملت به این است که قطع نفوذ روحانین بشود! یعنی که رفاه حال ملت در این است که قطع ید رسول الله ... از این ملت بشود؟! روحانیون خودشان چیزی نیستند که؛ روحانیون هر چه دارند از رسول الله است، باید قطع ید رسول الله از این ملت بشود! اینها این را می‌خواهند، این را می‌خواهند تا اسرائیل با دل راحت هر کاری اینجا بکند، تا آمریکا با دل راحت هر کاری می‌خواهد بکند.

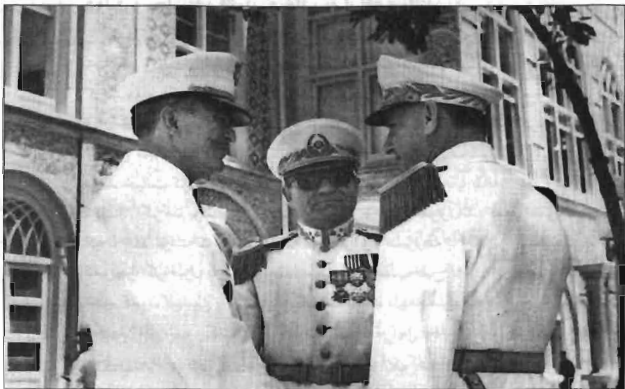
### تمام گرفتاریهای ما از آمریکاست

آقا، تمام گرفتاری ما از این آمریکاست، تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است. اسرائیل هم از آمریکاست، این وکلا هم از آمریکا هستند، این وزراء هم از آمریکا هستند، همه تعیین آنهاست؛ اگر نیستند چرا نمی‌ایستند در مقابل، داد بزنند؟

### روحانیت سدی در مقابل مطامع استعمارگران

من الآن حافظه‌ام درست نیست، نمی‌توانم بفهمم مطلب را خوب. الآن در حال انقلاب هستیم؛ در یک مجلس از مجالس سابق، که مرحوم مدرس، مرحوم آسید حسن مدرس، در آن مجلس بود، اولتیماتومی از دولت روس آمد به ایران که اگر فلان قضیه را انجام ندهید (که من حالا هیچی از آن را یادم نیست) ما از فلان جا که قزوین ظاهراً بوده است می‌آییم به تهران و تهران را می‌گیریم. دولت ایران هم فشار آورد به مجلس که باید این را تصویب کند. یکی از مورخین، مورخین آمریکایی، می‌نویسد که یک روحانی با دست لرزان آمد پشت تریبون ایستاد و گفت: آقایان،





سرلشکر محمد فاضلی و ژنرال هیدن رئیس هیئت مستشاری آمریکا در ایران (۱۳۴۰/۱-۳۱/۱-۲۸۵۴م)

اگر بناست ما از بین برویم چرا با دست خودمان برویم، رد کرد، مجلس به واسطه مخالفت او جرئت پیدا کرد و رد کرد و هیچ غلطی هم نکردند. روحانی این است؛ یک روحانی تویی مجلس بود نگذاشت آن قلندر شوروی را، روسیه سابق را، پیشنهاد اولتیماتومش را یک روحانی ضعیف، یک مشت استخوان رد کرد. امروز هم باید روحانی نباشد، برای همین قطع بد روحانی باید بکنند تا به آمال و آرزوی خودشان برسند، من چه بگویم؟

سازمان علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

بر ملت است که فریاد بزند چرا ما را فروختید

ایقدر انباشته است مطالب، ایقدر مفسد در این مملکت زیاد است که من با این حال، با این سینهام، با این وضع نمی توانم عرضه بکنم. نمی توانم مطالب را به آن مقداری که می دادم به عرض شما برسانم؛ لکن شما موظفاید به رفقایان بگویید، آقایان موظفاند ملت را آگاه کنند، علماء موظفاند ملت را آگاه کنند، ملت موظف است که در این امر صدا در بیاورد، با آرامش عرض برساند، به مجلس اعتراض کند، به دولت اعتراض کند که چرا یک همچنین کاری کردید؟ چرا ما را فروختید؟ مگر ما بنده شما هستیم؟!

## دولت و مجلس غیر قانونی و خائن به اسلام و ملتند

نماکه وکیل ما نیستید؛ وکیل هم بودید، اگر خیانت کردید به مملکت، خود به خود، از وکالت بیرون می روید. این خیانت به مملکت است. خدایا اینها خیانت کردند به مملکت ما، خدایا دولت به مملکت ما خیانت کرد، به اسلام خیانت کرد، به قرآن خیانت کرد، وکلای مجلسین خیانت کردند، آنهايي که موافقت کردند با این امر، وکلای مجلس سنا خیانت کردند، این پیرمردها، وکلای مجلس شورا آنهايي که رأی دادند خیانت کردند به این مملکت. آنها وکیل نیستند، دنیا بدانند اینها وکیل ایران نیستند. اگر هم بودند من عزلشان کردم، از وکالت معزول اند؛ تمام تصویبنا مهایی که تا حالا نوشته اند تمامش غلط است. از اول مشروطه تا حالا بر حسب نص قانون، قانون را اگر قبول دارند به حسب نص، به حسب نص قانون، بر حسب اصل دوم متمم قانون اساسی تا مجتهدین نظارت نکنند در مجلس، قانون هیچی نیست. کدام مجتهد نظارت می کند الآن؟ اگر پنج تا ملا تو این مجلس بود، اگر یک ملا تو این مجلس بود تو دهن اینها می زد، نمی گذاشت این کار بشود. من به آنان که به ظاهر مخالفت کردند، این حرف دارم به آنها، چرا آقا خاک تو سرتان نریختید؟ چرا پا نشدید یقه آن مردک را بگیرید؟ همین من مخالفام سر جای خود بنشینید و آن همه تعلق بگویید؟! مخالفت این است؟ باید هياهو کنید. باید بریزید وسط مجلس، به هم باید بپرید که نگلرد این مطلب؛ به صرف اینکه من مخالفام درست می شود؟! دیدید که می گذرد، پس نگذارید یک همچو مجلسی وجود پیدا کند، از مجلس بیرونشان کنید. ما این قانون را که در مجلس واقع شد قانون نمی دانیم. ما این مجلس را مجلس نمی دانیم. ما این دولت را دولت نمی دانیم؛ اینها خائن اند به مملکت ایران، خائن اند.

خدایا، امور مسلمین را اصلاح کن. خدایا، دیانت مقدسه اسلام را عظمت به آن عنایت فرما. خدایا، اشخاصی که خیانت می کنند به این آب و ملک، خیانت می کنند به اسلام، خیانت می کنند به قرآن، آنها را نابود کن

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

## اعلامیه امام خمینی علیه احیای کاپیتولاسیون

حضرت امام خمینی علاوه بر ایراد نطق انقلابی و حماسه آفرین، اعلامیه ای ژرف، غنی و روشنی بخش نیز در مخالفت با احیای رژیم کاپیتولاسیون صادر کردند و مسئولیت همه طبقات و ائشار را در برابر این رهاورد جدید و نوظهور «انقلاب سفید» مشخص و روشن کرده از عموم ملت ایران خواستند از مناقشات جزئی خود صرف نظر

کرده در راه هدف مقدس استقلال و بیرون رفتن از قید اسارت کوشش کنند. این اعلامیه تاریخی به دو گونه مختلف در تهران و اصفهان با تعداد بسیار زیادی به چاپ رسید و با شیوه ای ویژه و بیسابقه در سراسر کشور پخش شد. بیش از ۴۰ هزار نسخه از این اعلامیه فقط در تهران در زمانی کمتر از ده دقیقه پخش شد.<sup>۴۸</sup>

### همراهی علما و مردم با حضرت امام خمینی

با طنین آوای انقلابی امام خمینی در فضای اختناق بار ایران و انعکاس و انتشار نطق تاریخی و اعلامیه افشاگرانه ایشان در میان مردم، موج جدیدی از خشم و نفرت بر ضد شاه و رژیم مزدور او سراسر ایران را فراگرفت. علما و روحانیون شهرستانها با پشتیبانی و همراهی مردم طی تلگرافها، نامه ها و طومارها الغاء کاپیتولاسیون را خواستار شدند. سیل تلگرام و نامه های اعتراض آمیز به سوی هیئت حاکمه سرازیر گردید.<sup>۴۹</sup> جالب اینکه در چهارم آبان ۱۳۴۳، همزمان با سخنرانی امام خمینی، شاه در مراسمی در کاخ مرمر نمایندگان مجلس را به شدت سرزنش کرد و از اینکه برخی نمایندگان به لایحه کاپیتولاسیون رأی نداده بودند ناراحت بود و گفت که کارها باید با همان سرعت و کارایی دورانی که مجلس نبود اداره شود<sup>۵۰</sup>!!

### پاسخ حسنعلی منصور

به دنبال بازتاب وسیع سخنان امام خمینی، حسنعلی منصور به منظور توجیه این خیانت به مجلس سنا شتافت و در آنجا طی یک سخنرانی سعی کرد که خیانت خود را به عنوان خدمت جلوه دهد و سعی کرد که به دروغ این مصونیت را کمتر از آنچه که تصویب شده بود نشان دهد و سه مورد را متذکر شد: اول اینکه مصونیت شامل اعمال خارج از حین انجام وظیفه نمی گردد؛ دوم اینکه خانواده و بستگان مستشاران تحت پوشش مصونیت قرار نمی گیرند؛ سوم اینکه کارمندان غیرفنی عضو هیئت مستشاری نیز از مصونیت برخوردار نخواهند شد. جالب اینکه این صحبت های منصور مورد اعتراض آمریکاییان قرار گرفت.<sup>۵۱</sup>

۴۸. سید حمید روحانی، همان، صص ۷۲۶-۷۲۷.

۴۹. سعید عبداللہی، همان، ص ۹۴.

۵۰. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، نهاد لانه جنوسی، ج ۱، ص ۱۶۵.

۵۱. سعید عبداللہی، همان، ص ۹۵ و سید حمید روحانی، همان، صص ۷۲۷-۷۲۹.

## تبعید حضرت امام به ترکیه

شامگاه دوازدهم آبان ماه ۱۳۴۳ صدها کماندو و چترباز مسلح خانه امام خمینی در قم را محاصره کرده از بام و دیوار وارد منزل شدند و جهت دستگیری ایشان به جست و جو و ضرب و شتم خدام منزل پرداختند. حضرت امام خود از منزل خارج شدند و به محض اینکه وارد کوچه شدند کماندوهای شاه ایشان را محاصره کرده سوار ماشین نمودند و با شتاب به سمت تهران حرکت کردند. مستقیماً وارد فرودگاه مهرآباد شدند. حضرت امام را در صبح روز ۱۳ آبان سوار بر هواپیمای نظامی کرده به ترکیه تبعید نمودند.<sup>۵۲</sup>

صبح همان روز شهر قم به اشغال نظامیان شاه درآمد تا از هرگونه قیام مردمی در مخالفت با تبعید امام خمینی ممانعت به عمل آید. در همین روز، کماندوهای شاه حاج آقا مصطفی، فرزند امام، را دستگیر کردند و به زندان قزل قلعه تهران فرستادند. رژیم شاه از وضعیت حضرت امام به مردم خبری نمی‌داد، مردم و علما در تلگرافات و اعلامیه‌هایی حمایت خود را از امام خمینی اعلام کرده خواستار اطلاع از وضعیت ایشان شدند تا اینکه بالاخره موافقت کردند نماینده‌ای از طرف مقامات روحانی به ترکیه رفته با ایشان ملاقات به عمل آورد. بعد، داماد آقای خوانساری به اسلامبول رفت و در حضور مأمورین ساواک چند مرتبه با حضرت امام ملاقات کرد.<sup>۵۳</sup>

برخی نمایندگان قلابی و مسلوب‌الاراده مجلسین و همچنین برخی از روزنامه‌ها، از جمله پست تهران و فتح کرمان به ساحت مقدس امام خمینی زیان به اهانت و بدگویی گشودند که موجب اعتراض مردم و علما شد و درگیری‌هایی نیز ایجاد شد و دفتر روزنامه فتح به دست مردم به آتش کشیده شد. مأمورین رژیم شاه برخی از مغازه‌ها را به بهانه اینکه صاحبان آنها در اعتصاب و اعتراض دست داشته‌اند، غارت کردند.<sup>۵۴</sup> عده‌ای نیز روحانیون مبارز و عده زیادی از بازاریهای مبارز و جوانان دانشگاهی نیز که در تعطیل شدن بازار و برپا شدن تظاهرات اعتراض‌آمیز در مورد تبعید غیرقانونی امام خمینی فعالیت چشم‌گیری داشتند بازداشت شدند. رژیم شاه، به منظور منحرف ساختن افکار توده‌های خشمگین ایران در مورد احیای کاپیتولاسیون و تبعید امام، قیمت نفت را بالا برد تا توده‌های محروم ایران بیش از پیش تحت فشار قرار بگیرند.<sup>۵۵</sup>

۵۲ همان، صص ۷۴۲-۷۴۳.

۵۳ سید حمید روحانی، همان، صص ۷۳۹-۷۴۱.

۵۴ همان، صص ۷۶۴-۷۶۶. ۵۵ همان، ص ۷۷۰.



جلسه هیئت وزرای کابینه حسنعلی منصور؛ جمشید آموزگار، نصرت‌الله معینیان، اسماعیل ریاحی، اسدالله صنیعی، محمد نصیری، باقر عاملی،

عبدالعلی جمالیان، آذر ونگی شفیق، جواد صیدو، منوچهر گنجی، عطاءالله خسروآفر، ۱۹-۲۶-۶۴ [۱۶۴]

## افزایش اعتراضات مردم و روحانیون

اما، به رغم این فشارهای رژیم هر روز به دامنه اعتراضات افزوده می شد. سیل اعتراض مردم با فرستادن تلگراف، نامه و طومار به دربار، کاخ نخست وزیری، سفارت ترکیه و سفارتخانه های کشورهای اسلامی در ایران سرازیر شد. دانشجویان ایرانی مقیم خارج نیز با ملت ایران همصدا شده اعتراضاتی انجام دادند. طلاب علوم اسلامی هر شب دعای توسلی در مسجد بالا سر حضرت معصومه، که محل تمرکز و تجمع زائرین است، ترتیب می دادند و در پایان برای بازگشت امام دعا می کردند، در مجالس مختلف به افشاگری می پرداختند. برای اولین بار روحانیون مبارز حوزه علمیه قم دست به تظاهرات خیابانی زدند و شعارهایی در حمایت از امام خمینی سر دادند. در تهران میتینگهای باشکوهی در تاریخ بیست و یکم آذر ۴۳ از طرف بازارهای مبارز در مسجد سید عزیزالله و مسجد صاحب الزمان برگزار شد که منجر به تظاهرات خیابانی و زد و خورد مردم با پلیس گردید.<sup>۵۶</sup>

طلاب، فضلا و مدرسین قم به شیوه های مختلف با عوامل رژیم برخورد داشتند: انتشار مخفیانه هفته نامه بعثت و بعد انتقام و اعلامیه ها و اخبار جهت آگاهی مردم، کوشش در آشکار کردن دستگیری روحانیون که ساواک سعی می کرد در اختفا باشد، پاسخ به اتهامات جراید دولتی، مسافرت به شهرهای مختلف و رساندن پیام مردم و ... در پی این اعتراضات گسترده، رژیم شاه مجبور شد حاج آقامصطفی را پس از ۵۷ روز زندانی بودن آزاد کند؛ اما پس از پنج روز ایشان را در قم دستگیر نمودند و به ترکیه تبعید کردند.<sup>۵۷</sup>

## اجرای لایحه کاپیتولاسیون

پس از اعتراض حضرت امام به کاپیتولاسیون، منصور در مجلس سنا سخنرانی کرد و در ظاهر از حیطة لایحه کاست. این مسئله مورد اعتراض آمریکاییها قرار گرفت و، با فشار بر شاه و منصور، خواستار گسترش حیطة لایحه و اجرای هرچه زودتر آن شدند. سرانجام، در نوزدهم آبان ۱۳۴۳، که حضرت امام در تبعید بودند و مردم داغدار فراق ایشان، منصور در مجلس شورای ملی مخالفتهای انجام شده با کاپیتولاسیون را محکوم کرد و با اشاره به یادداشتهای مبادله شده میان ایران و آمریکا، اشتباهات خود را در مجلس سنا تصحیح نمود و خواسته های نامشروع آمریکا را در مورد گسترش حیطة

لایحه مورد تأیید قرار داد به طوری که عملاً هر آمریکایی حاضر در ایران می‌توانست از امتیاز مصونیت بهره‌مند گردد. نمایندگان که در مخالفت با لایحه صحبت کرده بودند طی نطق‌هایی در ۱۴ آبان مخالفت‌های خود را پس گرفته از لایحه تمجید نمودند.<sup>۵۸</sup> سرانجام، در نتیجه اصرار مقامات آمریکایی، کارتهای مصونیت صادر شد و در اختیار آمریکاییان قرار گرفت.<sup>۵۹</sup>

## پاداش خیانت منصور

با توجه به خشم و نفرتی که بر اثر احیای کاپیتولاسیون در میان مردم به وجود آمده بود و با تبعید امام خمینی و دستگیریهای گسترده‌ای که رژیم شاه به راه انداخته بود و هر روز تعداد زیادی از علما و مردم را به زندان می‌فرستاد این نفرت چندین برابر شده بود. قابل پیش‌بینی بود که این خشم و نفرت گریبان رژیم شاه را خواهد گرفت. سرانجام، در یکم بهمن ۱۳۴۳، حسنعلی منصور (احیاگر کاپیتولاسیون) به دست یک جوان مذهبی به نام «محمد بخارایی» در جلوی در ورودی مجلس شورای ملی (محل احیای کاپیتولاسیون) اعدام انقلابی گردید. به علت همزمان بودن این واقعه با برگزاری مراسم دومین سالگرد انقلاب سفید و کاستن از عظمت آن، رژیم شاه در ابتدا، خبر مرگ منصور را از رسانه‌های گروهی مخفی داشت و بعد از ششم بهمن، خبر هلاکت او را به اطلاع عموم رساند.<sup>۶۰</sup>

هنوز سه ماه از اعدام انقلابی منصور نگذشته بود که صدای رگبار مسلسل کاخ مرمر را به لرزده درآورد. ساعت ۹ صبح روز ۲۱ فروردین ۱۳۴۴، یکی از نگهبانان کاخ مرمر به نام رضا شمس‌آبادی به طرف شاه تیراندازی نمود؛ ولی قبل از اینکه موفق شود شاه را به هلاکت رساند، به دست دو درجه‌دار گارد مورد اصابت گلوله قرار گرفت. این حادثه انعکاسی از نارضایتی شدید و اوضاع قابل انفجار در ایران بود.<sup>۶۱</sup>

## اولین مصونیت

هنوز دو ماه از تبادل یادداشت‌های مربوط به احیای کاپیتولاسیون نگذشته بود که اولین سوءاستفاده از مصونیت پیش آمد. در تاریخ دوازدهم اسفند ۱۳۴۳ یک درجه‌دار آمریکایی با دختر جوانی تصادف کرد و این دختر فوت کرد. سفارت آمریکا یادداشتی را

۵۹. همان، ص ۱۲۳.

۵۸. مسعود اسداللهی، همان، صص ۹۹-۱۱۲.

۶۱. همان، ص ۱۳۳.

۶۰. همان، ص ۱۲۸.

به وزارت امور خارجه ارسال کرد و در مورد درجه‌دار آمریکایی چنین نوشت: «ایشان طبق ماده ۳۷ کنوانسیون وین... از امتیازات و مصونیت‌های سیاسی... برخوردار می‌باشد.»<sup>۶۲</sup>

جالب این است که فرمانده مستشاران آمریکایی خواستار محاکمه این درجه‌دار از سوی مقامات نظامی آمریکا در ترکیه می‌شود ولی این درخواست مورد موافقت قرار نمی‌گیرد. او در این تصادف آنقدر بی‌مبالا و مسامحه‌کار تشخیص داده شده است که باید در یک دادگاه نظامی محاکمه شود... برداشت ما این است که ژنرال هر یک تعابلی برای موافقت با این درخواست از خود نشان نداد.<sup>۶۳</sup>

### انتقال حضرت امام به نجف اشرف

در پی اعتراضات وسیع مردم، بنابر توصیه آمریکا، شاه برای آرام کردن مردم و برقراری ثبات سیاسی، طرح انتقال امام از ترکیه به عراق را تنظیم می‌کند. دولت عراق با شروطی می‌پذیرد و امام همراه با فرزندش حاج آقامصطفی از ترکیه وارد نجف می‌شود. اگرچه با انتشار این خبر مردم تا حدودی خوشحال شدند، اما اقامت امام در نجف آنها را قانع نمی‌کرد و از شاه در نتیجه این اقدامش راضی نشدند.<sup>۶۴</sup>

### تسری مصونیتها به غیر آمریکاییان

پس از گذشت چند سال از احیای کاپیتولاسیون و اعزام تعداد بسیار زیادی از مستشاران آمریکایی به ایران، مقامات آمریکایی نه تنها این مصونیتها را به بستگان غیر آمریکایی مستشاران تسری دادند، بلکه حتی تصمیم گرفتند به نیروهای غیر آمریکایی خود نیز این مصونیت داده شود. نکته تأسفبار این است که مقامات وزارت خارجه ایران نه تنها به این گستاخی اعتراضی نمودند بلکه خواسته‌های غیرقانونی آنها را به هر صورت برآورده می‌ساختند.<sup>۶۵</sup>

در سالهای پایانی عمر رژیم شاه، بر اساس یک قرارداد نظامی با انگلستان حتی برخی از مستشاران انگلیسی نیز از مصونیت برخوردار شدند. در اولین ماده قرارداد صریحاً مستشاران انگلیسی تحت پوشش کاپیتولاسیون قرار گرفته بودند:

...تعداد و درجه افراد تیم تکنیکاران سلطنتی منوط به تشریفات خواهد بود که

۶۲ دانشجوین پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، ج ۷۲، ص ۱۰۱.

۶۳ همان، ص ۱۰۴. ۶۴ جواد منصوری، همان، ص ۲۲۶.

۶۵ مسعود اسداللهی، همان، ص ۱۵۷.





خوشحالی مهمانان آمریکایی در تهران؛ از راست: ژنرال ماکسول تیلور رئیس ستاد مشترک نیروی مسلح آمریکا و جولیوس هلمز سفیر آمریکا و ژنرال اکهارت رئیس هیئت مشاوری نظامی آمریکا (۱۳۴۲-۵۴) [ع]

گاه به گاه مورد موافقت دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده بریتانیا قرار می‌گیرد. اعضای تیم مزبور به سمت اعضای فنی و امور اداری وابسته به سفارت انگلیس خواهند بود و دارای امتیازات و مصونیت‌هایی می‌باشند که به چنین اعضای تعلق می‌گیرد.<sup>۶۶</sup>

### پیروزی انقلاب اسلامی و الغاء کاپیتولاسیون

در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اعلامیه ای به این شرح منتشر کرد:

بنا به پیشنهاد هیئت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی و تصویب شورای انقلاب اسلامی، قانون مصوب ۲۱ مهرماه ۱۳۴۳ (۱۳ اکتبر ۱۹۶۴) راجع به اجازه استفاده مستشاران نظامی آمریکا در ایران از مصونیتها و معافیت‌های قرارداد وین (کاپیتولاسیون) از تاریخ ۱۳۵۸/۲/۲۳ لغو شد.<sup>۶۷</sup>

۶۶ همان، ص ۱۵۹؛ به نقل از دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، ج ۷۳، ص ۹۰.

۶۷ دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، ج ۷۲، ص ۱۶۹.

دولت آمریکا قصد داشت باقیمانده مستشاران نظامی آمریکا را، تحت عنوان کارمندان اداری و فنی سفارت، باز دیگر تحت پوشش مصونیت سیاسی قرار دهد، اما با مخالفت وزارت خارجه مواجه شد.<sup>۶۸</sup>

سرانجام، در تاریخ ۱۳/۸/۱۳۵۸، با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا به توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، برای همیشه به حضور مستشاران نظامی آمریکا در ایران خاتمه داده شد و ۳۷ سال تسلط این مستشاران بر ارزش ایران پایان پذیرفت. نکته در خور تأمل این است که چند ماه پس از آغاز سلطنت محمدرضا پهلوی در سال ۱۳۲۰ فعالیت مستشاران آمریکایی در ایران شروع شد و، چند ماه پس از سقوط او، فعالیت این مستشاران خاتمه پیدا کرد. این نکته خود گواه دیگری بر وابستگی کامل محمدرضا پهلوی به آمریکا می باشد.<sup>۶۹</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی